

ماجرای دیدار تئوریسین حزب توده با علامه طباطبایی

۸ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۵۵

آقای احسان طبری که از تئوریسین‌های حزب کمونیست بود به دیدن علامه می‌رود و علامه به اشکالات او درباره مطالب دینی و عالم ماوراءالطبیعه پاسخ‌های قوی می‌دهد به طوری که احسان طبری بحث را ادامه نمی‌دهد و به عظمت اسلام اعتراف می‌کند.

مرحوم رضوان جایگاه عالم عامل آیت‌الله محمدحسین طباطبایی مشهور به حضرت علامه طباطبایی در ۱۳۲۱ ق و ۱۲۸۱ شمسی در تبریز در خاندان پرآوازه قاضی طباطبایی که جملگی از عالمان دین و راهنمای دین و دنیای مردم بودند و در خطه آذربایجان امر قضاوت را عهده‌دار بوده‌اند و تمام خطه آذربایجان تحت نفوذ علمی - فقهی و قضائی ایشان بوده است و به همین جهت به قاضی ملقب گشته‌اند.

مرحوم علامه طباطبایی در ۵ سالگی مادر و در ۹ سالگی پدر را از دست دادند و سرپرستی حضرت علامه و اخوی کوچکتر ایشان یعنی آیت‌الله سید محمد حسن الهی طباطبایی را حسب وصیت پدر آیت‌الله سید محمد باقر قاضی طباطبایی که دایی ایشان بوده و از شاگردان ملاحسینقلی همدانی عارف بی‌بدیل عهده‌دار می‌شوند.

آیت‌الله سید محمدباقر قاضی پدر حضرت آیت‌الله شهید محمد علی قاضی طباطبایی(ره) اولین امام جمعه تبریز و نماینده حضرت امام خمینی در تبریز بودند و در خطه آذربایجان به خمینی آذربایجان شهرت یافته بودند زیرا از عنفوان جوانی به مرحوم امام خمینی(ره) علاقه شدید داشتند و مبلغ و مروج امام در آذربایجان بودند.

مرحوم علامه مقدمات را در تبریز از محضر بزرگان وقت فرا گرفت و برای ادامه تحصیل به اتفاق همسر خود و خانم قمرالسادات مهدوی که از بنی اعمام خود بود و اخوی خویش آیت‌الله محمدحسن الهی طباطبایی و عموزاده‌اش مرحوم عارف با آیت‌الله سید حسین قاضی طباطبایی (ره) به نجف اشرف مشرف شدند.

علامه طباطبایی به همراه شهید مطهری در لندن

حضرت علامه زمانی که در تبریز اقامت داشتند در نوجوانی در سنین ۱۴ و ۱۵ سالگی رفت و آمد زیادی به منزل جد حقیر آیت‌الله حاج سید احمد قاضی طباطبایی برادر استادشان آیت‌الله سید علی قاضی طباطبایی داشتند و بیشتر روزها در منزل آقای

سید احمد و مشغول تحصیل بودند مرحوم آقای سید احمد عصرهای جمعه مجلس مرثیه‌ای برای خاندان عصمت داشتند که علامه خود را موظف به شرکت در آن مجلس می‌دانست.

علامه طباطبایی به همراه حاج سید حسین قاضی طباطبایی(ره) پدر آقای سید محمدصادق قاضی طباطبایی

اتفاقا پس از فوت مرحوم آقا سید احمدی زاده ایشان آیت‌الحق سید حسین قاضی طباطبایی در قم عصرهای جمعه ادامه آن مرثیه را داشتند و حضرت علامه طباطبایی و بسیاری از بزرگان منجمله حضرت امام خمینی(ره) و آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حایری و آیت‌الله فاضل لنکرانی هم پدر و هم پسر و بسیاری از بزرگان که آن زمان دوران طلبگی را در قم می‌گذراندند و آذری‌ها حتما مشارکت و کسب فیض از محضر بزرگان می‌کردند که رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و اخوی ایشان آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای از آن جمله بودند و مرحوم علامه در تبریز یک هفته نتوانسته بودند در آن مجلس آقا سید احمد شرکت کنند فلذا مخمسی سرودند که تضمین غزلی از حافظ است و از اخوی خود خواستند اشعار را در مجلس آقا سید احمد قاضی پدر آیت‌الله سید حسین قاضی بخوانند این غزل چنین است اتفاقا چه مناسبت خوبی ماه محرم و ماه عزای سیدالشهدا است و مناسب غزل هم همین است.

گفت آن شاه شهیدان که بلا شد سویم

با همین قافله‌ام راه فنا می‌پویم

دست هست ز سراب که جهان می‌شویم

شور یعقوب کنان یوسف خود می‌جویم

که کمان شد زغمش قامت چون شمشاد

گفت هر چند عطش کنده بن و بنیادم

زیر شمشیرم و در دام بلا افتادم

هدف تیرم و چون فاخته پر بگشادم

فاش می‌گویم و از گفته خود دلشام

بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم
من به میدان بلا روز ازل بودم طاق
کشته یارم و با هستی او بسته وثاق
من دل رفته کجا و کجا دشت عراق
طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق
که در این داگله حادثه چون افتادم
لوحه سینه من گر شکند سم ستور
ور سرم سیر کند شهر به شهر از ره دور
باک نبود که مرا نیست بجز شوق حضور
سایه طوبی و غلمان و قصور و قدحور
به هوای سر کوی تو برفت از یادم
تا در این بزم بتابید مه طلقت یار
من خورم خون دل و پر کند تیر نثار
پرده به دیده و سرگرم به دیدار نگار
نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار

چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

تشنه وصل ویم آتش دل کارم ساخت

شربت مرگ همی خواهم و جانم بگداخت

از چه از کوی توام دست قضا دور انداخت؟

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت

یا رب از مادر گیتی به چه طالع زادم؟!

علامه طباطبایی پس از تشرف به نجف که به محضر استاد العرفا حاج سید علی قاضی می‌رسد از ایشان می‌خواهد که راهنمایی لازم را بکند و حضرت علامه قاضی هم اساتیدی را معرفی می‌نمایند از آن جمله مرحوم میرزای نائینی مرحوم غروی کمپانی - مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی مرحوم ابوتراب خوانساری و مرحوم کاشف الغطا و اساتیدی دیگر مرحوم علامه می‌فرمود در فلسفه برای حکیم و فیلسوف معروف سید حسین بادکوبی می‌رفتم و ۶ سال نزد ایشان تلمذ کردم و منظومه حاج ملا هادی سبزواری و انصار و شاعر ملاصدرا و شفای بوعلی سینا را از ایشان استفاده کردم و در ریاضیات هم از درس مرحوم سید ابوالقاسم خوانساری که ریاضی‌دان برجسته و زبردستی بود استفاده کردم.

مرحوم علامه پس از ده سال اقامت در نجف به ناچار به علت تنگی وضع مالی به ایران و تبریز مراجعت و قریب ده سال در امر کشاورزی مشغول می‌شوند و خودشان می‌فرمودند مدت ۱۰ سال از عمرم در تبریز هدر رفت مراد باز ماندن از تحصیل و غیره بود در حیات مرحوم آیت‌الله حائری یزدی موسس حوزه قم ایشان به قم آمدند و تا آخر عمر با برکت خود در این شهر مقیم شدند و با مشقات بسیار تدوین تفسیرالمیزان را شروع کردند و چه زحماتی متحمل شدند در سرما و گرما و فقدان وسائل و سختی معیشت، ۴۰ سال زحمت نتیجه‌اش تفسیرالمیزان شد.

خودشان می‌فرمودند بخش اعظم این تفسیر را مدیون همسرم می‌باشم. بد نیست به این خاطر اشاره رود مرحوم آیت‌العظمی بروجردی هیئتی را برای شرکت در کنگره اسلامی به مصر فرستاد از جمله اشخاصی اعزامی آیت‌الله سید محمود طالقانی بود به خود ایشان تفسیر پرتوی از قرآن را نگاشته‌اند البته بخشی از قرآن نه همه قرآن و آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای امام مسجد فخرالدوله تهران و آیت‌الله حاج سید رضا زنجانی و آیت‌الله صدر بلاغی در ایام اقامت در مصر با مرحوم شیخ محمود شلتوت رئیس جامعه الازهر و عالم بزرگ دینی اهل سنت که فتوی صادر کرده بود مبنی بر اینکه فقه جعفری هم مانند فقه علمای برجسته اهل سنت یعنی شافعی و مالکی و حنفی حنبلی معتبر است که خیلی سروصدا ایجاد کرد.

هیأت اعزامی به مصر از طرف آیت‌الله بروجردی مرحوم شلتوت را به ایران دعوت کردند و او هم اجابت کرد لیکه وقتی به ایران آمد که آیت‌الله بروجردی به رحمت ایزدی پیوسته بودند و مرحوم شیخ شلتوت در مشهد میهمان آیت‌الله سید محمد هادی میلانی از مراجع وقت شد. مرحوم میلانی یک دوره تفسیر المیزان علامه طباطبایی را به ایشان هدیه کردند پس از رفتن ایشان به مصر و استفاده از تفسیر تعجب کرده بود که یک عالم شیعی آن هم غیر عرب زبان چنین تفسیری را نوشته باشد و خیلی از آیت‌الله میلانی تشکر کرده بود در تفاسیری که توسط شیعیان نگارش شده‌اند اغلب تفسیر را با روایات ائمه معصومین تفسیر کرده‌اند مرحوم علامه طباطبایی تفسیرشان قرآن به قرآن بود و خود می‌فرمودند ما این تفسیر قرآن به قرآن را از استادمان سید علی آقا قاضی طباطبایی آموخته‌ایم.

*علامه طباطبایی فرمود ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم

من هر چه دارم از مرحوم قاضی است چه در حیات و چه در ممات چه در ممات خیلی حرف بزرگی است آن هم از آن بزرگ مرد تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. مرحوم علامه طباطبایی افراد تشنه حقیقت و فضیلت را به خود جذب و جلب می‌کرد پرفسور هانری کربن فرانسوی که هم شرف‌شناس بود و هم اسلام‌شناس پس از جلسه ملاقاتی با حضرت علامه گفتند «من گمشده‌ام را پیدا کردم چون ایشان به همه نقاط دنیا رفته و با فلاسفه بسیاری ملاقات کرده بود ولی نظیر علامه طباطبایی را ندیده بود».

به قول آیت‌الله حسن‌زاده آملی می‌فرمود این حکیم وارسته از تبار علمائی است که در حد بسیار وسیع و عمیق به صورت صاحب نظری ژرف‌اندیش در فنون مختلف مهارت دارند و عمری را به تحقیق و تدریس گذرانیده‌اند و اندیشه‌های علمی علامه مانند نامدارانی چون خواجه نصیر طوسی - شیخ بهائی، ابونصر فارابی و ملاصدراها را تداعی می‌کند.

علامه طباطبایی فقهی مسلم، فیلسوفی صاحب نظر، عارفی متشرع حکیمی ریاضی‌دان و ادیبی توانا می‌باشند و در سیر و سلوک ترجمان عرفان نظری هستند ادب زایدالوصف و ساده‌زیستی این فرزانه اندیشمند که حاکی از رفعت مقام و علو روح ایشان دست ریشه در تقوا - صیانت نفس و طهارت روان او دارد و توجه هر انسان شیفته فضیلت را به سوی خود جلب می‌کند واقعا مصداق بارز این شعر است.

هر آن کس ز دانش برد توشه‌ای

جهانی دست بنشته در گوشه‌ای

شما از من حقیر به مناسبت قرابت خانوادگی خواستید شرح حالی بنگارم ولی حق این بود از اساتیدی چون استاد دنیایی که

بخشی از دوران خود را در استفاده علمی و عملی از آن بزرگوار بهره‌مند بود شرح حال علامه را می‌خواستید از اساتید بزرگوار مرحوم علامه یاد کردیم مناسب است از بعضی شاگردان معظم‌له هم نامی برده شود افرادی که این منبع عظیم علمی و فقهی و عرفانی و اخلاقی بهره‌مند بوده‌اند. علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی، علامه طهرانی، آیت‌الله سعادت پرور تهرانی، آیت‌الله فاطمی نیا، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله جعفر سبحانی، آیت‌الله محمد شجاعی، آیت‌الله لوزی همدانی، آیت‌الله مرتضوی لنگرودی، آیت‌الله میرزا علی احمدی میانی، آیت‌الله میرزا عبدالحمید شربیانی، آیت‌الله حاج میرزا ابوطالب تجلیل تبریزی و آیت‌الله شهید محمدعلی قاضی طباطبایی و شهید علی قدوسی نهبانندی که داماد علامه هم بودند. شهید مطهری، شهید دکتر بهشتی، شهید امام موسی صدر، شهید دکتر محمد مفتاح شهید محمود جواد باهنر.

حضرت علامه گاهی به مدرسه علوی در تهران که مدیریت آنجا با اخ‌الزوجه ایشان حضرت استاد سید رضا روزبه بود تشریف می‌بردند و بعضاً در کلاس‌ها هم صحبت می‌فرمودند در جوانی مرحوم علامه طباطبایی گاهی در تهران در بیلاق در که مقیم می‌شدند و مرحوم امام خمینی(ره) هم تابستان‌ها در امامزاده قاسم شمیران مقیم می‌شدند. این دو بزرگوار در قم همسایه هم بودند و نوعاً با یکدیگر ملاقات داشتند ولی در تهران آن زمان وسیله چندان نبود که بتوانند سه سهولت رفت و آمد کرده یکدیگر را ملاقات کنند.

آقای احسان طبری که از تئوریسین‌های حزب کمونیست بود و در در که به دیدن حضرت علامه می‌رود مرحوم علامه به اشکالات او درباره مطالب دینی و عالم ماوراءالطبیعه و متافیزیک پاسخ‌های قوی و معتدل می‌دهد به طوری که احسان طبری بحث را ادامه نمی‌دهد و به عظمت اسلام اعتراف می‌کند.

لیکن پس از آن ملاقات به راه خود که از پیش تعیین کرده بود می‌رود و روش رئالیسم هم که به وسیله شهید مطهری توضیح و پاورقی نوشته شده پاسخ بسیاری از شبهات مادی را می‌دهد و بی‌نظیر است. روزگاری در جمله زن روز که بوسیله انتشارات کیهان منتشر می‌شد مطالبی علیه اسلام به ویژه درباره خانم‌ها نوشته می‌شد مرحوم علامه شهید مطهری فرمودند پاسخ آن مطالب را بدهید.

مرحوم مطهری کسر شأن خود می‌دانستند که در مجله زن روز مقاله بنویسند مرحوم طباطبائی فرمودند دفاع از کیان اسلام در هر مرحله و هر کجا باید انجام گیرد و لذا شهید مطهری بدان پرداخت و این کتاب حقوق زن در اسلام در اثر آن مقالات متولد شد و اما یک خاطره بکر از حضرت علامه که جایی نقل نشده.

من حقیر چند صباحی در زندان زندان بین‌المللی در خدمت مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی(ره) و مرحوم دکتر یدالله سبحانی و پسر ایشان مهندس سبحانی و مرحوم مهندس بازرگان و عده‌ای از مبارزین قبل از انقلاب بودم.

در سال ۱۳۴۲ شمسی مرحوم پدرم آیت‌الله سید حسین قاضی طباطبایی به اتفاق مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت‌الله حاج

میرزا حسن مقدس تبریزی که اواخر امام جماعت مسجد اعظم قلهک بود آمدند به دیدن حقیر زندان قصر درب ورودی داشت دربی به خیابان باز می شد و وسط کربدوری بود درب دیگر وارد محوطه زندان تا بیایند به زندان شماره ۴ تفتیش بدنی به عمل می آوردند هم زمان عده ای از طلاب قم به قصد دیدار با آیت الله طالقانی از درب خیابان وارد شده بودند در جیب یکی از این طلاب مقداری اعلامیه امام خمینی بود که اگر می گرفتند طرف را بازداشت و شکنجه آن چنانی در انتظارش می بود پدر من حقیر متوجه می شود و به آن طلب می گوید آنها را بده به من اطاق شلوغ بود و کسی قبل از تفتیش کاری نداشت طلبه امساک می کند و به پدرم می گوید شما نمی دانید اگر بگیرید چه بلائی سر انسان می آورند راه برگشت هم وجود نداشت.

مرحوم علامه متوجه این گفت و گو می شوند و به آن طلبه می گویند آقای قاضی می گویند بده شما اعلامیه ها را بده به بقیه امر کاری نداشته باش ناچار آن طلبه با کراهت اعلامیه ها را به پدرم می دهد و ایشان در جیب خود قرار می دهند.

مرحوم علامه به من فرمودند ما یک به یک که وارد محوطه می شدیم جیب ما را با دست لمس کردند اگر کاغذی وجود داشت می گفتند در آورید به بینم هفته قبل آقای فهیم کرمانی مقداری اعلامیه حمل می کرد گرفته بودند و بازداشت و چه آزار طاقت فرسایی که خدا می داند اجمالا مرحوم آقای طباطبایی فرمودند ما را بازرسی کردند و وارد شدیم تا نوبت پدر شما که شد ما هم نگران بودیم امور مربوطه حتی به عیای ایشان هم دست نزد و گفت شما بفرمائید.

آمدند ملاقات انجام گرفت و برگشتند از قضا هم مرحوم علامه و هم مرحوم پدرم با مرحوم آیت الله طالقانی از قم آشنایی داشتند زیرا بسیاری با هم گفت و گو کردند و برای من هم جالب بود من پس از استخلاص هرچه از پدرم پرسیدم چطور شد که شما را تفتیش نکردند پاسخی به من ندادند پس از وفات مرحوم پدرم روزی کتب و یادداشت های پدر را در حضور حضرت علامه و مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن مصطفوی بازبینی می کردیم به ورقه ای برخورد کردیم که در آن از قول استادشان حاج سید علی قاضی طباطبایی آن عارف بلند مقدار نوشته بودند اگر خوف داشتید از ناحیه کسی به شما ظلمی برسد و مورد آزار و اذیت قرار گیرد ده تا از حروف مقطعه قرآن را بخوانید و با هر حرفی یک انگشت خود را به بندید نزدیک او که رسیدید دست ها را باز کنید. انشاء الله از شر او ایمن می مانید آن ده حرف هم این است: ک- ه- ع- ی- ص- ح- م- ع- س- ق به نظرم پدر از چنین رمز و رازی بهره برده بودند.

نه در اختر حرکت بود و نه در قطب سکون

گر نبودی به جهان خاک نشینانی چند

آقای طباطبائی و افرادی چون ایشان دوست را نزدیک خود می دیدند و با عهدهی که با خدا بسته بودند وفادار بودند خداوند فرموده با عهدهی که با من بسته ای وفادار باشید منم بعد خود با شما وفادارم.

دوست نزدیکتر به من است و من از او دورم

وقتی ما استجابت نکنیم از آن طرف اجابتی نیست.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۲۹۰/طباطبایی-علامه-توده-حزب-تنوریسین-دیدار-ماجرای>